

تراز بازرگانی خارجی در سال قبل بهبود قابل توجهی یافت

اشاره:

با آغاز سال ۱۳۸۰، دومین سال اجرای سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور شروع شد. سالی که می‌بایست بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تلاش مضاعفی را برای حصول به اهداف این برنامه در پیش بگیرند. شروع سال جدید فرصت مغتنمی برای ارزیابی عملکرد گذشته، بازنگری در تنگناها و موانع و اتخاذ راهکارهای مناسب برای گذر از آنها و بررسی شرایط موجود برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد.

چنانچه در این فرصت شروع سال، نگاهی واقع‌بینانه و کارشناسانه به موقعیت موجود داشته باشیم، زمان کافی برای راهکارهای اتخاذ شده در اختیار خواهد بود و امکان تحقق اهداف در بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم خواهد شد.

در این مقاله به بررسی موقعیت بازرگانی خارجی ایران در سال گذشته و برنامه‌های سال جاری می‌پردازیم.

بر اساس آمار و اطلاعات منتشره از سوی نهادهای رسمی، موقعیت بازرگانی خارجی ایران در سال گذشته تحکیم شد، هر چند که در تحقق اهداف مربوط به رشد صادرات غیرنفتی توفیق زیادی به دست نیامد. بر اساس گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارزش کل صادرات ایران در سال گذشته به ۱/۱ میلیارد دلار و ارزش واردات کشور به ۱۲/۴ میلیارد دلار رسید که بدین ترتیب تراز بازرگانی خارجی با ۱۱/۷ میلیارد دلار مازاد روبه‌رو شد. مقایسه این آمار با عملکرد سال ۱۳۷۸ نشانگر بهبود قابل توجهی است که متأثر از رشد قیمت‌های نفت در بازارهای جهانی است. ارزش کل صادرات ایران در سال ۱۳۷۸ به ۷/۱۹ میلیارد دلار، واردات کشور به ۱۴/۱۶ میلیارد دلار و مازاد تراز بازرگانی خارجی به ۶/۲ میلیارد دلار بالغ گردید. به این ترتیب مجموع صادرات کشور در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۷۸ معادل ۲۲/۳ درصد افزایش، واردات حدود ۷ درصد کاهش و مازاد تراز بازرگانی ۸۸/۷ درصد رشد نشان می‌دهد. با وجود رشد چشمگیر مازاد تراز بازرگانی خارجی (۸۸/۷ درصد) در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۷۸ باید به این نکته توجه داشت که کاهش نسبی واردات و رشد قابل توجه صادرات ایران، عامل اصلی این تحول بوده است. اما بررسی آمار صادرات نشان می‌دهد، ارزش صادرات غیرنفتی از ۳ میلیارد و ۴۵۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۸ به ۳ میلیارد و ۷۹۹ میلیون دلار در سال گذشته رسیده که نشانگر رشدی جزئی (حدود ۶ درصد) می‌باشد که با اهداف برنامه سوم برای آن تفاوت زیادی دارد. ارزش صادرات غیرنفتی ایران در برنامه سوم برای سال ۱۳۷۹ به میزان ۴ میلیارد و ۵۸۱ میلیون دلار پیش‌بینی

شده بود که عملکرد سال گذشته ۲۴/۳ درصد کمتر از آن است. به عبارت دیگر با وجود تأکید بر جهش در صادرات غیرنفتی، تقریباً یک چهارم هدف برنامه برای سال ۱۳۷۹ محقق نشده است.

با توجه به آنکه در دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در گذشته، عملکرد صادرات غیرنفتی حدود ۳۰ درصد کمتر از اهداف برنامه‌های یادشده تحقق یافته،

مسئله بایست ارزیابی دقیقی برای اتخاذ راهکارهای تسهیل و جهش در صادرات غیرنفتی صورت گیرد. تداوم روند

کنونی سبب خواهد شد که مجموع صادرات غیرنفتی کشور در برنامه سوم در محدوده ۲۵ تا ۲۷ درصد باقی بماند که با هدف برنامه (دستیابی به ۳۴/۸ میلیارد دلار درآمد ارزی از صادرات کالاهای غیرنفتی) فاصله زیادی خواهد داشت و در نتیجه برنامه جهش در صادرات غیرنفتی با شکست مواجه خواهد شد. به عقیده کارشناسان، اتخاذ راهکارهایی برای تسهیل صادرات و واقعی شدن آمارهای مربوط به صادرات غیرنفتی ضروری است.

کارشناسان عقیده دارند، از یک سو قدرت رقابت کالاهای صادراتی در بازارهای جهانی به لحاظ

عقب‌ماندگی‌های مربوط به فناوری تولید و رشد روزافزون قیمت تمام‌شده کالاهای، تضعیف شده و تقویت نسبی ارزش ریال نیز توان رقابت را تا حدودی تضعیف کرده است و از سوی دیگر پاره‌ای مقررات و تشریفات اداری زائد (نظیر پیمان سپاری) موجب اظهار ارزش صادرات در سطحی کمتر از رقم واقعی از سوی صادرکنندگان شده

با وجود تأکید بر جهش در صادرات غیرنفتی در برنامه سوم، تقریباً یک چهارم هدف برنامه برای سال ۱۳۷۹ در زمینه صادرات غیرنفتی تحقق نیافت و با توجه به عملکرد دو برنامه گذشته در این زمینه، ارزیابی راهکارهای تسهیل و جهش در صادرات غیرنفتی ضروری است.

است. در این راستا کاهش تشریفات اداری و حذف مقررات زائد ضرورت دارد.

کارشناسان ضرورت اعطای تشویق‌های صادراتی و حتی پرداخت یارانه به بخش صادرات غیرنفتی در یک دوره مشخص برای تقویت بنیه رقابت در بازارهای جهانی و نیز اصلاح پاره‌ای از سیاست‌ها و مقررات داخلی، کسب فناوری روز و تلاش برای بهبود مدیریت جهت ارتقای بهره‌وری و کاهش قیمت تمام شده محصولات صادراتی را مؤثر می‌دانند.

بررسی برنامه سوم در خصوص اهداف صادرات غیرنفتی در سال

۱۳۸۰ نشان می‌دهد که دستیابی به ۵ میلیارد و ۹۴۷ میلیون دلار از صدور کالاهای غیرنفتی در این برنامه پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر رسیدن به رقم حدود ۶ میلیارد دلار مستلزم رشد ۶۲ درصدی ارزش صادرات مذکور نسبت به عملکرد سال گذشته است.

رشدی در سطح بیش از ۶۰ درصد در ارزش صادرات غیرنفتی از سال ۱۳۷۳ تاکنون مشاهده نشده

است و به عبارتی تحقق یافتن این رشد بدون اتخاذ راهکارهای مناسب چندان آسان و محتمل به نظر نمی‌رسد.

در بخش واردات نیز عملکرد سال گذشته با اهداف برنامه برای این سال فاصله زیادی داشت. طبق برنامه ارزش واردات کالا در سال ۱۳۷۹ می‌بایست به حدود ۱۶/۳ میلیارد دلار می‌رسید. حال آنکه در عمل در سطح ۱۲/۴ میلیارد دلار قرار داشت که ۲۲/۷ درصد کمتر از هدف برنامه بود. افت و محدود شدن واردات را نمی‌توان عامل مثبتی برای رشد بخش‌های اقتصادی دانست، زیرا با وجود عقب‌ماندگی فناوری تولید، فرسودگی شمار عظیمی از کارخانه‌ها و نیاز آنها به بازسازی و تجهیز مجدد و نیز قابلیت‌های بسیاری که در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه

صنعت و معدن به لحاظ افت سرمایه‌گذاری بدون استفاده مانده‌اند، بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصاد کشور به صورت بهینه میسر نشده است.

به عقیده کارشناسان، باز کردن واردات به ویژه تجهیزات سرمایه‌ای که در رونق تولید کالاهای صادراتی نقش کلیدی دارند، می‌تواند عامل مؤثری در رشد صادرات غیرنفتی در آینده باشد.

آنچه مسلم است، رشد واردات کالاهای مصرفی و نامؤثر در صادرات غیرنفتی مورد تأیید هیچ کارشناسی نیست، اما محدود بودن واردات کشور نه تنها با سیاست‌های بازرگانی اتخاذ شده در برنامه سوم برای دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی مغایرت دارد، بلکه توانایی اقتصادی کشور در بهره‌برداری بهینه از منابع موجود و فرصت‌های تجاری حال و آینده را نیز به مخاطره می‌اندازد.

کارشناسان عقیده دارند که سیاست‌های بازرگانی کشور در جهت واردات اقلام مؤثر در رشد صادرات غیرنفتی می‌بایست تغییر کند تا امکان بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی موجود و خلق مزیت‌های جدید برای اقتصاد کشور فراهم شود.

این امر نه تنها در توازن بخشی بازرگانی خارجی در آینده و جهش در صادرات غیرنفتی مؤثر خواهد بود، بلکه به رشد سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا و ایجاد فرصت‌های اشتغال کمک مؤثری خواهد داشت.

کارشناسان یکی از دلایل افت واردات ایران در سال گذشته را نرخ ارز می‌دانند. به گفته دست‌اندرکاران صنعت، ارزش هر دلار برای واردات کالا رقمی بین ۸۵۰ تا ۹۰۰ تومان می‌باشد و این امر با توجه به بنیه مالی ضعیف واحدهای تولیدی کشور که نیازمند واردات مواد واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای می‌باشند، رکود تولید و افزایش هزینه تمام شده محصولات تولیدی را به دنبال دارد که در نهایت بر توان رقابت واحدهای تولیدی اثر منفی دارد.

با این وصف، ضرورت دارد که هزینه واردات (ارزش دلار برای واردات کالا) دست‌کم به سطح دلار صادراتی (نرخ دلار در مبادله گواهی‌های سپرده ارزی در بورس اوراق بهادار تهران و نظام بانکی کشور) تقلیل یابد و در کنار ارابه تسهیلات اعتباری مناسب به بخش‌های ارابه‌کننده کالاهای صادراتی، رونق تولید و صادرات از طریق گسترش واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد واسطه‌ای مهیا گردد.

به عقیده کارشناسان، نقش و سهم واردات در تولید و صادرات غیرنفتی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و با اتخاذ سیاست‌های بازرگانی مناسب و کاهش تعرفه‌ها و سود بازرگانی واردات دست‌کم برای بخش‌های تولید کالاهای صادراتی و سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، امکان بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی در اقتصاد کشور فراهم شود.

بررسی آمار صادرات در بخش نفت نیز نشان می‌دهد که شکوفایی

بازار جهانی نفت و رشد قیمت‌ها در این بازار در سال گذشته، موجبات دستیابی به درآمدهای ارزی بیشتر برای کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران را فراهم ساخت. با وجود آنکه در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ارزش صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی برای سال ۱۳۷۹ به میزان ۱۲ میلیارد و ۶۴۷ میلیون دلار پیش‌بینی شده بود، در عمل صادرات این بخش به ۲۰/۴ میلیارد دلار رسید که از هدف برنامه حدود ۶۲ درصد بیشتر بود. درآمدهای مذکور نسبت به سال ۱۳۷۸ که حدود ۱۶/۳ میلیارد دلار ثبت شد نیز بیش از ۲۵ درصد افزایش داشت.

کارشناسان هشدار می‌دهند که با بروز علایمی مبنی بر افت میزان رشد اقتصادی در آمریکا و اثر آن بر اقتصادهای صنعتی که مصرف‌کننده عمده نفت می‌باشند، امکان افت قیمت‌های نفت و کاهش درآمدهای نفتی کشورهای صادرکننده در سال جاری نسبت به سال گذشته شدت یافته است. از این رو نمی‌توان چندان امیدوار بود که تحقق نیافتن درآمدهای حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی با رشد درآمدهای نفت در سال جاری جبران گردد. لذا ضرورت دارد برای تحقق درآمدهای ارزی، سیاست‌های بازرگانی در جهت رونق و جهش در صادرات غیرنفتی و ارابه‌تسهیلات موردنیاز آن تحول یابد.

طبق پیش‌بینی برنامه سوم برای سال ۱۳۸۰، ارزش صادرات کشور (کالاهای و خدمات) می‌بایست به

۱۹/۵ میلیارد دلار (شامل ۱۲/۳ میلیارد دلار صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی، ۵/۹ میلیارد دلار کالاهای غیرنفتی و ۱/۲ میلیارد دلار صدور خدمات) بالغ شود. در همین حال ارزش واردات (کالاهای خدمات) برای امسال در برنامه سوم ۲۰/۹ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است که شامل ۱۷/۲ میلیارد دلار واردات کالا و حدود ۳/۷ میلیارد

کالاهای سرمایه‌ای پیشرفته و مطابق فناوری روز می‌باشند. آنها عقیده دارند که ایجاد شرایط مناسب و ارایه تسهیلات ارزان‌قیمت برای حمایت از واردات کالاهای سرمایه‌ای و ورود فناوری به متقاضیان بخش‌های سرمایه‌گذاری و تولیدی، ضرورت دارد و رشد واردات در این زمینه نه تنها به ضرر اقتصاد ملی نیست، بلکه توان رقابت

سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا هنوز فراهم نشده است. این امر سبب می‌شود که وجود صندوق ذخیره ارزی نقش کارسازی در جذب سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا و توسعه اقتصادی پایدار نداشته باشد و سوددهی این وجوه به لحاظ تبدیل نشدن به سرمایه‌گذاری هر حد بسیار نازل و نزدیک به صفر باقی بماند.

دلار واردات خدمات می‌باشد. چنانچه این ارقام تحقق یابد، تراز بازرگانی کشور در سال جاری متوازن خواهد بود.

مازاد تراز بازرگانی ایران در سال گذشته به ۱۱/۷ میلیارد دلار رسید که از کاهش نسبی واردات و رشد قابل‌توجه صادرات کشور به ویژه صادرات نفتی ناشی شد.

کارشناسان با اشاره به احتمال استمرار یافتن شرایط کنونی، عقیده دارند که وضعیت تراز بازرگانی ایران در سال جاری به لحاظ تحقق نیافتن ارقام مربوط به صادرات غیرنفتی و واردات، به درآمدهای نفتی بستگی دارد.

آنها با پیش‌بینی درآمد نفتی کشور در سال جاری در حدود ۱۶ تا ۱۸ میلیارد دلار، صادرات غیرنفتی در سطح ۴ تا ۴/۵ میلیارد دلار و واردات به میزان ۱۳ تا ۱۵ میلیارد دلار، انتظار دارند که تراز بازرگانی حدود ۷ میلیارد دلار مازاد نشان دهد.

این کارشناسان با تأکید بر ضرورت انجام سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا در طرح‌های تولیدی که نیازهای وارداتی را به منظور دستیابی به فناوری روز افزایش می‌دهد، خواستار گشایش بازار ایران به روی

و سهم ایران در تجارت جهانی را بهبود خواهد بخشید.

این کارشناسان با اشاره به روندهای موجود در اقتصاد و تجارت جهانی و ضرورت همسویی با این روندها برای ادغام در اقتصاد جهانی و کسب سهم مناسب در اقتصاد و تجارت بین‌المللی، خواستار تحقق یافتن راهبردهای اتخاذ شده در برنامه سوم و ایجاد زمینه‌های مساعد برای عملی ساختن این راهبردها می‌باشند.

در نهایت می‌توان گفت، کسب مازاد تراز تجاری بر مبنای اقتصاد متکی به صادرات نفت و محدودیت واردات نه تنها امتیازی برای اقتصاد کشور نمی‌باشد، بلکه فرآیند رشد و توسعه اقتصادی پایدار را با خطرات جدی مواجه خواهد ساخت، به ویژه آنکه زمینه‌های مساعد برای بهره‌گیری از مازاد درآمدهای ارزی به لحاظ نبود سیاست‌های تشویق

کارشناسان عقیده دارند که اصلاحات اقتصادی بر مبنای جهش در صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا برای

دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه پایدار در بعد خرد و کلان می‌بایست پیگیری و اجرا شود. در این راستا اتخاذ سیاست‌های بازرگانی متحول و باز اجتناب‌ناپذیر است و پرهیز از آن پیامدی جز از دست رفتن فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و بسط عقب‌ماندگی‌های فناوری و در نهایت دست نیافتن به رشد و توسعه اقتصادی پایدار به دنبال نخواهد داشت.

بر این مبنای سیاست‌های محتاطانه تجاری چنان به نفع اقتصاد ملی نخواهد بود و ایجاد فضای سالم رقابت با حذف انحصارها و رانست‌های ناشی از آن ضرورتی غیرقابل انکار است.